

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

شماره ۵۱  
مهر ماه ۱۳۸۹ اکتبر ۲۰۱۰

شماره ۵۱

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org) [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

حذف یارانه کالاهای مورد نیاز مردم  
و افزایش یارانه به سرمایه داران ص. ۲

صف بندی های جدید برای خروج از بحران ص ۳

محکوم نکردن تحریم ایران همدستی با امپریالیسم است ص. ۴



به بهانه شصت سالگی ترانه "مرا ببوس" ص. ۵



در حاشیه عقب نشینی بخشی از ارتش اشغالگر آمریکا از عراق ص. ۷

پیرامون ماجراجویی بناپارتیسم و سیاست رم ستیزی سارکوزی و شرکاء در فرانسه ص. ۸

یازده سپتامبر و اشغال افغانستان ص. ۱۰

اطلاعیه حزب کارایران (توفان)

درمورد انفجار بمب در مهاباد

عملیات تروریستی مهاباد را محکوم می کنیم ص. ۱۱

## حذف یارانه کالاهای مورد نیاز مردم و افزایش یارانه به سرمایه داران

با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که با تعویق هفت ماهه قرار است از اواخر مهر ماه سال جاری به اجرا درآید، قیمت نفت و گاز، بنزین و گازوئیل، برق و آب، گندم و برنج، روغن، شیر و شکر، دارو و بذر، کود و نهال، خدمات پستی و هواپیمایی و خدمات ریلی (مسافری) بر اساس قیمت‌های صادراتی، یا تمام شده و یا جهانی، محاسبه و از مصرف‌کننده دریافت می‌شود.

بر اساس مصوبه مجلس (به منظور جلوگیری از تنش‌های اجتماعی)، ۵۰ درصد از درآمد حاصله از حذف یارانه‌ها، که بین ۲۰ هزار میلیارد تومان (طبق محاسبات دولت) تا ۴۰ هزار میلیارد تومان (طبق محاسبات مجلس) می‌باشد، مستقیم و غیر مستقیم، فقط به مدت پنج سال، به مردم اختصاص می‌یابد و از مبلغ باقی مانده ۳۰ درصد به نهادهای تولیدی و صنعتی و ۲۰ درصد صرف هزینه‌های دولتی شود.

چنانچه در مصوبه فوق به وضوح مشخص است **هدفمندان ۵۰ درصد از درآمد حاصله از حذف سوبسیدها از جیب مصرف‌کننده خارج و به جیب سرمایه داران واریز می‌شود**. سرمایه‌دارانی که هم در گذشته و هم در حال حاضر از یارانه‌های مستقیم و غیر مستقیم و یارانه‌های گمرکی و مالیاتی و تولیدی و خصوصی سازی‌ها بهره مند شده‌اند.

بر اساس قانون برنامه سوم و چهارم ۵۰ درصد از درآمد حساب ذخیره ارزی به صورت تسهیلات در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت و طی سال‌های ۸۴ تا ۸۷ مبلغ ۱۹,۳ میلیارد دلار با مجوز دولت به بخش خصوصی پرداخت شد. طبق ماده ۱۳۸ قانون معافیت مالیاتی، سرمایه‌داران بخش صنعتی و تولیدی، از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج، به میزان ۸۰ درصد، به مدت چهار سال از پرداخت مالیات معاف می‌باشند و بخشی از سود شرکت‌های خصوصی که برای بازسازی، توسعه و نوسازی و یا تکمیل واحدهای صنعتی و معدنی مصرف می‌شود از ۵۰ درصد مالیات متعلقه معاف خواهد بود. تبصره ۳ ماده ۱۳۲ همان قانون در آمد حاصله از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری و نوغانداری، احیاء مراتع و جنگل‌ها، باغات و اشجار و نخل‌ها بدون محدودیت زمانی از پرداخت مالیات معاف می‌باشند. در متمم بودجه سال ۸۸ جوایز صادراتی برای تجار به میزان ۲۴۰ میلیارد تومان اعتبار پیش بینی شده بود.

### هدف طرح حذف یارانه‌ها و رها سازی قیمت‌ها تأمین سود هر چه بیشتر کلان سرمایه‌داران است.

سرمایه‌داران به کمک دستگاه دولتی حامی خود می‌خواهند هم از کمک‌ها و یارانه‌های بی دریغ دولتی برخوردار باشند (هم چنان که در ۲۲ ساله گذشته از کمک‌های صدها میلیارد دلاری برخوردار شدند) و هم کالاهای خود را با قیمت حداکثر و به قول خودشان جهانی بفروشند و در واقع هم از توبره بخورند و هم از آخر؛ و این در شرایطی است که نیروی کار کارگران را نه تنها نمی‌خواهند با قیمت جهانی خریداری کنند بلکه حتی دستمزدهای جهانی آنها را با تأخیر چند ماهه و حتی چند ساله پرداخت کنند. آنها کارگرانی بی تشکل، مطیع و خاموش و بی درد سر و برده وار با قراردادی موقت و سفید امضاء می‌خواهند که با هر شرایطی که خواستند از او بهره کشی کنند و هر گاه نخواستند به خیل نیروی کار ارزان بیکار اضافه کنند.

به برکت جمهوری اسلامی چنین شرایط ایده‌آلی برای کلان سرمایه‌داران ایرانی فراهم شده است. طی ۲۲ ساله گذشته سیاست‌های نئولیبرالیستی که همه جناح‌های حاکمیت در اجرا کردن آن وحدت نظر و عمل کامل داشته‌اند به طور پیگیر دنبال شده است. سیاست‌های "تعدیل اقتصادی" دوران هشت ساله کابینه رفسنجانی و "طرح ساماندهی اقتصادی" دوران هشت ساله کابینه خاتمی و هم چنین "طرح تحول اقتصادی" کابینه احمدی نژاد در شش ساله اخیر هدف واحدی را در جهت اجرای دستورالعمل‌های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی دنبال می‌کنند، که نتیجه آن جز نابودی اقتصاد ملی و گسترش فقر و فلاکت و بیکاری و افزایش شکاف طبقاتی نیست.

مقامات مرتجع و ضد مردمی جمهوری اسلامی در هراس از شورش‌های اجتماعی ناشی از بحران همه جانبه اقتصادی و تأثیرات حذف یارانه‌ها هر کدام به نوعی مجبور به اعتراف و واکنش شده و با نسبت به عواقب آن هشدار می‌دهند.

محبوب دبیر کل تشکیلات فرمایشی خانه کارگر در مصاحبه با ایلنا در مورد تأثیر هدفمند سازی یارانه‌ها می‌گوید: "از آنجا که دریافتی کارگران شاغل و بازنشسته با هدفمند سازی یارانه‌ها متناسب نیست پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مستمری‌های کنونی که بر مبنای حداقل مزد تعیین شده است حتی برای پرداخت هزینه آب و برق و تلفن کافی نخواهد بود" او می‌افزاید: "با این شرایط تورمی دیگر نمی‌توان مزد کارگر را سالانه تغییر داد و باید در طول سال دریافتی کارگران شاغل و بازنشسته بر مبنای شرایط تورمی تغییر کند. شرایط کنونی تنها به افزایش ثروت طبقات ثروتمند منجر خواهد شد"

جنتی دبیر شورای نگهبان می‌گوید: "دوران ریاضت مردم با اجرای هدفمندی یارانه‌ها آغاز می‌شود".

عزت الله یوسفیان، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس می‌گوید: "ادعای اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بدون ایجاد مشکل برای مردم صحیح نیست و ما قطعاً با مشکل مواجه خواهیم شد".

مجید نصیر پور عضو کمیسیون اجتماعی مجلس می‌گوید: "در شرایط رکود اقتصادی کنونی اجرای این قانون تأثیرات منفی زیادی بر افشار متوسط و پائین دست، خواهد گذاشت و تورم را باز هم افزایش خواهد داد.

اصغر گرانمایه پور نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس می‌گوید: "کارمندان و کارگران شهر نشین بیشترین آسیب را از بابت هدفمند کردن یارانه‌ها خواهند پذیرفت".

## سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

افزایش تورم و گرانی ناشی از تحریم‌ها با اجرای طرح رها سازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌ها باز هم بیش از پیش تشدید خواهد شد. گلوی کارگران و زحمتکشان همزمان توسط دشمنان داخلی و خارجیشان فشرده می‌شود. توده بدون تشکل دورنمائی جز تحمل بدبختی و ذلت و ظلم و زور ندارد. کارگران و زحمتکشان شهر و روستا برای رهایی از وضعیت فلاکت بار موجود راهی جز اتحاد و همبستگی و تشکیلات و مبارزه بی‌امان با همه مظاهر نظام پلیید سرمایه‌داری ندارند.

\* \* \* \* \*

## صف بندی‌های جدید برای خروج از بحران

وضعیت ایران به شدت بحرانی است و فساد و دزدی و ارتشاء و قتل و غارت و بی‌قانونی و سقوط اخلاقی جامعه را در تاریکی و بی‌دورنمائی فرو برده است. هیولای گرانی حلقوم مردم به ویژه زحمتکشان را می‌فشارد و هر روز قیمت ارزاق، بی‌حساب و کتاب سیر صعودی طی می‌کند. طبق گزارش روزنامه‌های رسمی کشور قیمت گوشت گوسفند به ۲۱ هزار تومان در کیلو رسیده است. گوشت مرغ نیز در چند هفته اخیر افزایشی بین چهارصد تا هفتصد تومان در کیلو را نشان می‌دهد. قیمت برنج و تخم مرغ، میوه و شکر و سایر مواد خوراکی بین بیست تا پنجاه درصد افزایش داشته است. مجلس شورای اسلامی در هفتم شهریور ماه امسال خبر داده است که ۱۲۰ هزار معلم در ماه‌های اخیر در ایران باز خرید شده‌اند. هزاران کارگران ایران ماه‌ها حقوق نگرفته و برای دریافت حقوق معوقه و سیر کردن شکم خانواده خود بی‌باکانه دست به مبارزه علیه رژیم زده و هم چنان به مبارزاتشان ادامه می‌دهند. ده‌ها تن از رهبران جنبش کارگری در زندان‌های سیاه جمهوری اسلامی اسیرند و با وی دست و پنجه نرم می‌کنند.

جنایت و زورگویی و خودسری‌های مقامات مسئول و زیر پا گذاردن قانون خودشان و اعلام بی‌اعتباری همه این قوانین خود ساخته و اعلام رسمی اعمال سیاست استبدادی و نظایر آنها، همه و همه روزگار مردم را سیاه‌تر از پیش کرده است. این را ما نمی‌گوییم، رژیم کودتاجی باند نظامی امنیتی احمدی نژاد که حتی خودی‌های نزدیک به خود را کنار گذارده است می‌گوید. این رژیم مافیای سرمایه‌داری اسلامی است که می‌گوید ما به خودسری و پنهانکاری، و زد و بند خود ادامه می‌دهیم. ما به مردم اعتماد نداریم و تصمیمات را پشت پرده می‌گیریم. این ما هستیم که کودتا کردیم، مردم را فریفتیم و به پای صندوق رأی کشانیدیم و با گلوله و شکنجه و کشتار نیز پاسخ اعتراضات آرام مردم را داده‌ایم. ما نیازی نداریم به مردم ایران گزارش دهیم. زندان کهریزک را فقط به خاطر «استاندارد» نبودنش بستیم و نه چیز دیگر. ما ایران را ملک خصوصی خود می‌دانیم. ما هستیم که تصمیم می‌گیریم چه کسی حق دارد تا چه حد بشنود و چه کسی باید کر و کور باشد و حق حرف نداشته باشد. ما به نظر مردم نیاز نداریم، مردم ایران صغیرند و آن ولی فقیه است که قیم مردم است و بر همه نظارت دارد. ما به کسی توضیح نمی‌دهیم. ما هر کار را که خودمان صلاح بدانیم در میان محفل سرری خود تصمیم می‌گیریم و به همه مردم تحمیل می‌کنیم. رژیم امنیتی نظامی تبهکار اسلامی، مردم را از آن خود نمی‌داند و نمی‌تواند بداند زیرا از ماهیت کنیفش بر می‌خیزد، همه چیز را از چشم مردم پنهان می‌کند پس چرا باید مردم این نظام فاسد و ارتجاعی را از آن خود بدانند؟ این همان وضعی است که اکنون در ایران پدید آورده‌اند. انتخابات قلبی و تقلب و قیحانه، کشتار بیرحمانه مردم، تجاوز جنسی به پسران و دختران جوان، تواب ساختن یاران دیروزی که خود در ساختن این ماشین سلاخی نقش مهمی داشته‌اند، اذعان به شکست و اعلام بحران عمیقی است که رژیم را به بن بست کامل کشانده و وی را هر روز به پرتگاه سقوط نزدیک می‌گرداند. کودتای ۲۲ خرداد سال گذشته و تحولات بعد از آن آغازی برای پایان عمر رژیم ننگین جمهوری اسلامی است.

تشدید تضادهای جناح‌های رژیم و هم اکنون بالا گرفتن اختلافات بین اصول‌گرایان حکومتی و شتاب بخشیدن به سیاست سرکوب و یک دست کردن حاکمیت و زمزمه عزل احتمالی سیدعلی خامنه‌ای و به حداقل رساندن نقش روحانیت در حاکمیت و دفاع مجدد هاشمی رفسنجانی از سید علی خامنه‌ای و اصل ولایت فقیه و هشدارباش وی به "سمی که در درون نظام" جاریست و اعلام خطر در مقابل نفوذ بیش از حد جناح نظامی امنیتی به رهبری احمدی نژاد و شرکاء... نشان از صف آرائی جدیدی است که این روزها در رسانه‌های جمهوری اسلامی بازتاب داشته است. محمد خاتمی نیز اخیراً در یک سخنرانی در جمع دانشجویان تلویحاً به خامنه‌ای هشدار داده است: "که جریان تند رو قصد حذف مقام رهبری را دارد و این جریان نه تنها اصلاح طلبان و معترضان به سیاست‌های جاری بلکه بسیاری از اصولگرایان هم تحت فشارند..."

حقیقت این است دشمن بحران زده در مقابل اعتراضات و طغیان درون و فشارهای بیرونی متمرکز می‌شود و به جمع آوری آخرین ذخیره‌های خویش دست می‌زند. این یک صفیندی جدید جنگی است. برای یکدست کردن حاکمیت برای خروج از بحران کنونی. خامنه‌ای دیگر نمی‌تواند در این مبارزه از سربازان گمنام امام زمان استفاده کند زیرا بخشی از این سربازان در طرف غیرخودی‌هایند. جنگ دارد میان دو کس مغلوبه می‌شود. متأسفانه مبارزه مردم فاقد رهبری انقلابی و فاقد تمرکز و سازماندهی است و این آن خطری است که جامعه ایران را تهدید می‌کند. سیاست‌های ورشکسته و فاشیستی رژیم کار را به جایی رسانده که امپریالیست‌ها و در رأس آن

**مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستنی مبارزه ضد امپریالیستی است**

امپریالیست امریکا و چماقش در منطقه؛ اسرائیل صهیونیست برای این همه خرابکاری و میدان دادن به خرابکاری آنها دست می زنند. نفرت عمومی به قدری افزایش می یابد که ممکن است مردم از ترس عقرب جرار به مار غاشیه پناه برند. برای رهایی از این مخمصه و بحران اجتماعی راهی جز متشکل شدن و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی وجود ندارد. مردم ایران، کارگران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، زنان و جوانان و همه زحمتکشان باید هوشیارانه در صفی متحد نقشه‌های شوم جنایتکاران حاکم را نقش بر آب کنند و یکبار دیگر نشان دهند که سرنوشت آدمکشان جمهوری سرمایه‌داری اسلامی جز سرنوشت رژیم جنایتکار پهلوی نخواهد بود، این را تاریخ نشان داده و باز هم نشان خواهد داد. حزب ما ضمن دفاع قاطع از حقوق دمکراتیک مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان لحظه‌ای در افشای توطئه‌های امپریالیست‌ها برای به انحراف بردن مبارزات مردم باز نخواهد ایستاد و از هیچ کوششی دریغ نخواهد ورزید، مخالفت با تحریم اقتصادی و تهدید نظامی ایران و طرح سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی فقط به دست مردم ایران اصل تفکیک ناپذیر بودن مبارزه دمکراتیک از مبارزه ضد امپریالیستی است و همه نیروهای مستقل و انقلابی ایران موظفند در این چهارچوب دست به همکاری‌های مشخص زده و متحداً به دفاع از پیکار عادلانه مردم برخیزند.

\* \* \* \* \*

## محکوم نکردن تحریم ایران همدستی با امپریالیسم است

در اشاره به فروش ۶۰ میلیارد دلار تسلیحات (هواپیماهای جنگنده و تجهیزات تسلیحات دریائی و دفاع موشکی.....) به عربستان سعودی توسط آمریکا مطلب کوتاهی در فیس بوک توفان نوشتیم و ریاکاری امپریالیست آمریکا را افشا ساختیم. نوشتیم که برای آمریکا پتrodollar نفت مهم است نه ماهیت رژیم‌ها و حقوق دمکراتیک مردم. اما این روزها جریاناتی هستند که در چشم مردم خاک می پاشند و از خیانت ملی فضیلتی ساخته و به جاسوس این امپریالیست درنده تبدیل شده‌اند.....

در پاسخ به نوشته فوق یکی از دوستان در فیس بوک سئوالی در زمینه خاک پاشیدن به چشم مردم و موضوع خیانت ملی طرح نموده و خواهان روشن شدن مواضع حزب ما در مورد تحریم و مناقشات اتمی شده و پرسیده آیا برنامه اتمی ب نفع مردم ایران است؟.....مطلب کوتاه زیر پاسخی است به این خواننده علاقمند که به خاطر اهمیت مسئله اتمی ایران در این شماره توفان الکترونیکی به چاپ می رسانیم.

\*\*\*\*\*

قطعنامه تحریم غیر قانونی ایران بر خلاف ادعای دشمنان مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی نیست علیه مردم ایران است..... امپریالیست‌ها با گردن کلفتی و جاهل مسلکی، با تهدید و ارعاب مردم ممالک کوچک را به کشتار جمعی محکوم می کنند. آنها همین کار را با کوبای انقلابی کردند با کره شمالی می کنند با نیکاراگوئه انقلابی کردند، با اتحاد جماهیر شوروی، آن روزی که سوسیالیستی بود کردند، با کشور عراق کردند، با نوار غزه می کنند و امروز نیز نوبت به ایران افتاده است. یا باید به نوکری امپریالیست‌ها تن در داد و ایران را مانند زمان شاه به جولانگاه امپریالیسم بدل کرد و یا امپریالیست‌ها از مردم ایران بر اساس همان قانون قصاص چشم در مقابل چشم، دندان در مقابل دندان انتقام می گیرند. حزب کار ایران (توفان) تحریم اقتصادی ایران را یک عمل غیرقانونی، و ضد انسانی ارزیابی کرده و آن را قویاً محکوم می کند. حزب ما از حق تعیین سرنوشت مردم ایران به دست خودشان و نه به دست امپریالیست‌ها دفاع می کند و حقوق مردم ایران را حقوق اقلیت حاکم بر ایران نمی داند. ایران و مردم آن پا برجا مانده‌اند و باز می مانند و این رژیم‌ها هستند که میرا و رفتنی‌اند و رژیم جمهوری اسلامی تافته جدا بافته‌ای نیست.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با فشار و زورگویی آمریکا بر اعضاء این شورا و زد و بند با چین و روسیه علیرغم مخالفت برزیل و ترکیه و رأی ممتنع لبنان، ایران را به صورت غیرقانونی محکوم کرد و تحریم‌های جدیدی را علیه مردم ایران به تصویب رسانید. آمریکا می خواهد مانند اسرائیل که به مردم فلسطین در نوار غزه گرسنگی می دهد به مردم ایران نیز گرسنگی دهد تا به خیال خودش با ایجاد نارضائی عمومی در ایران، زمینه تغییر رژیم را فراهم آورد. این تحریم‌ها برخلاف آن چه که ادعا می شود که گویا بر ضد رژیم جمهوری اسلامی است، برضد مردم ایران و برضد منافع کشور ماست. امپریالیست‌ها با این اقدام پیمان‌های جهانی را از مضمون خود تهی کرده و شورای امنیت سازمان ملل را به ابزاری بدل کرده‌اند تا پیمان‌های جهانی را با فشار آمریکا و با رأی خود پس از تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بی اعتبار کنند. ۱۲۰ کشور جهان حمایت خود را از ایران در مورد استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای اعلام کردند. این حمایت در عین حال حمایت از یک اصلی است که برای همه ممالک جهان اعتبار دارد. کشورهای آنی که حق ایران را به رسمیت می شناسند در واقع از حقوق خود نیز دفاع می کنند و می فهمند که آمریکائی‌ها قصد دارند این

حقوق قانونی را که برای همه این ممالک معتبر است نه تنها برای ایران بلکه در خدمت انحصاری کردن تولید انرژی هسته‌ای در جهان برای همه ممالک دنیا لگد مال نمایند.

حال جریاناتی که از حق قانونی ایران در غنی سازی اورانیوم و استفاده صلح آمیز انرژی هسته‌ای دفاع نمی‌کنند و مشوق تحریم ایران هستند حتماً ریگی در کفش دارند و نه تنها به چشم مردم خاک می‌پاشند بلکه عملاً از سیاست امپریالیستی آمریکا پیروی می‌کنند. جمهوری اسلامی باید توسط مردم ایران سرنگون گردد و انرژی هسته‌ای ربطی به ماهیت جمهوری اسلامی ندارد. ایران مانند بسیاری دیگر از ممالک صاحب نفت به انرژی غیر فسیلی نیز احتیاج دارد و این برای نسل‌های آینده ایران امری ضروریست.

**نقل از فیس بوک حزب کار ایران (توفان) شهریور ماه ۱۳۸۹**

\* \* \* \* \*

## به بهانه شصت سالگی ترانه "مرا ببوس"

ترانه دلنشین و خاطره انگیز مرا ببوس که برای اولین بار در شهریور ماه ۱۳۲۹ به چاپ رسید شصت ساله شد. این ترانه که توسط حسن گل نراقی به اجرا درآمد و شهرت و محبوبیت جاودانی پیدا کرد و از زوایا و با انگیزه‌های متفاوتی مورد نقد و بررسی و قضاوت هنردوستان و جریان‌ات سیاسی و فرهنگی ایران قرار گرفته است.

ترانه مرا ببوس در اوضاع و احوالی نواخته شد که جامعه ایران از درون می‌جوشید و دموکراسی نوپای ایران در حال شکل گرفتن بود. این ترانه در حال و هوای کودتای ننگین ۲۸ مرداد و فضای اختناق، بگیر و ببندها و اعدام افسران میهن دوست و کمونیست توده‌ای نواخته شد و به تدریج به یک پرچم ملی و اعتراضی علیه استبداد سیاه پهلوی تبدیل گشت. به همین مناسبت و علت چرائی جاودانه شدن این ترانه زیبا که در قلوب مردم ایران جای گرفته و الهامبخش مبارزه آزادیخواهان ایران برای کسب حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی شده است، ماهنامه توفان شماره ۶۱ آذر ماه ۷۸ مقاله‌ای تحت عنوان "کاوشی تاریخی برای پوشش واقعیتی تاریخی" انتشار داده و به نقد و ریشه تاریخی این ترانه پرداخت که مورد توجه بسیاری از خوانندگان توفان قرار گرفت. ما یکبار دیگر این مقاله ارزنده را به مناسبت شصت ساله شدن مرا ببوس انتشار می‌دهیم و نظر خوانندگان عزیز را به این نقد زیبا جلب می‌کنیم.

## «کاوشی تاریخی برای پوشش واقعیتی تاریخی»

امروز در مورد ترانه‌ی "مرا ببوس" نشریات خارج بسیار می‌نویسند و می‌خواهند آن طور که مدعی‌اند ذهن مردم را به تاریخچه‌ی این ترانه معطوف کرده و گوشه‌ای از تاریخ ایران را بازتاب نمایند. لیکن آن گوشه‌ای از تاریخ ایران را که این تاریخ نویسان می‌خواهند ثبت کنند فقط گوشه‌ی کوچکی است تا پرده‌ای از استتار بر بخش بزرگ تر تاریخ ایران که مورد پسند آنها نیست، بکشند. جا دارد که ما کمونیست‌ها بر این بخش بزرگ و حماسی تاریخ ایران، بر آن بخشی که الهام بخش مبارزه‌ی کمونیست‌های ایران است تکیه کنیم. ترانه‌ی "مرا ببوس" را به آقای رقابی متخلص به "هاله" نسبت می‌دهند که تاریخچه‌ی زندگی ایشان در دشمنی با کمونیست‌های ایران و به ویژه با اعضای حزب توده ایران در سال‌های سی و حتی بعد از آن درخشان نیست. انسان‌هایی که صابون خشونت ایشان به تنشان خورده شاید امروز هم از درد آن بنالند. ولی این امر حاشیه‌ای است و فعلاً موضوع بحث ما نیست همان گونه که خواندن تصنیف آن از جانب آقای گلنراقی در این بحث نمی‌گنجد. آنچه ولی حاشیه‌ای نیست این است که چرا در کنار صدها ترانه و تصنیف و موسیقی زیبا مردم به "مرا ببوس" دل بستند؟ و نه به یک اثر هنری دیگر. آیا چون آن را آقای گلنراقی خوانده بود؟ روشن است که پاسخ آنها منفی است.

برای توضیح این امر باید به شرایط بعد از کودتای خائنه‌ی ۲۸ مرداد که ننگی در زندگی سلطنت طلب‌ها و لکه‌ی سیاهی بر دامن تاریخ ایران است، نظر افکند. سازمان‌های جاسوسی با کمک فاشیست‌های ایرانی نظیر سرلشگر زاهدی و ارتش ارتجاعی، اوباش و فواحش، قوادان و چاقو کشان و محافل مذهبی ضد کمونیست و در رأس همه‌ی آنها دربار فاسد پهلوی به کودتائی خائنه دست زدند و مسیر تاریخ ایران را تا به امروز از راه تکامل طبیعی‌اش خارج کردند. پس از کودتا که لازم بود قراردادهای نفتی منعقد گردد دست امپریالیست‌های آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی و هلندی و ایتالیائی در غارت ثروت‌های ملی ایران باز گردد، احساس می‌شد که به حمام خون نیاز است، احساس می‌شد که باید سایه‌ی وحشتی مهیب و تکان دهنده را بر جامعه‌ی ایران بگسترده و باید از طریق

دستگیری، زندان، شکنجه و تیرباران و سرکوب بی‌امان به ایجاد محیطی از رعب و وحشت دست زد که تنها با حوادث پس از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ دوران خمینی قابل قیاس است. کمونیست‌های ایران را شکنجه می‌کردند، به چوبه‌های دار می‌سپردند، و سرهنگ زیبایی، میصر، امجدی، استوار ساقی و نظایر آنها، لاجوردی‌های رژیم جمهوری اسلامی را در دامان خود پرورش می‌دادند. آنها لاجوردی‌های زمان خود بودند. محیطی از رعب و وحشت بی‌پایان ایجاد کردند. رنگ سرخ ممنوع شد. فرماندار نظامی هر کتابی را که جلد سرخ داشت، جمع‌آوری می‌کردند، هر نامی را که با پسوندهای "روف، تف، ین" ختم می‌شد کمونیست دانسته و کتب نویسنده‌ی مربوطه را ضبط می‌کردند. نقل است که یک بیچاره دهقان زبان بسته‌ای را که بدشانسی در روز کودتا عازم شهر بود و در توضیح نشانی خود گفته بود: من "تو دهی" هستم آن قدر شکنجه کرده بودند تا برایشان تفهیم شد که در آن منطقه "تو ده" و "بالا ده" وجود دارد و این بیچاره "بالا دهی" نیست. "جامعه‌ی مدنی" آقای خاتمی در دوران ظل‌الله حاکم نبود و خودسرانه همه را می‌گرفتند و شکنجه می‌کردند تا مقرر آیند. سلطنت طلبان هر روز دسته‌ای از افسران توده‌ای را که مظهر شرافت، درستکاری، آزادیخواهی، خدمت به همنوع، آگاهی و انسانیت بودند به عنوان جاسوس تیرباران می‌کردند. جاسوس بزرگ محمد رضا شاه که با کمک ایادی اجنبی و سازمان‌های جاسوسی بر سر کار آمده بود و استقلال ایران را بر باد داده بود و می‌خواست تتمه‌ی آن را نیز بر باد دهد، به نحو مضحکی کمونیست‌های ایران را به جاسوسی متهم می‌کرد. تاریخ نشان داد که این محمد رضا شاه بود که جاسوس بود و نوکرمنشانه به دنبال کارتر و ژنرال هویزر و سولیوان راه افتاده بود.

در چنین فضائی مردم به ترانه‌ی "مرا ببوس" روی آوردند و با خواندن آن، آن را وسیله‌ای علیه مبارزه‌ی ضد پهلوی کردند. این امر به یک سنت مبارزه‌ی مردم ما بدل شد. از آن روز هر کس این ترانه را خواند به هواداری از کمونیسم مظنون شد. جبهه‌ی ملی‌ها از خواندن آن امتناع می‌کردند. تلاش فراوان نیز به عمل آمد تا با انتساب این شعر به "هاله" که ضد کمونیسم بود، این مضمون تاریخی و سنتی، این رایحه‌ی کمونیستی "مرا ببوس" را خنثی کنند ولی موفق نشدند. بورژوازی در همه‌ی عرصه‌ها برای مبارزه‌ی ایدئولوژیک آماده است. آنها می‌کوشند منابع الهام کمونیست‌ها را از آنها بگیرند و هر کدامشان به نحوی و در لباسی و با ابزار جدیدی ظاهر می‌شوند. این مردم بودند که می‌گفتند سرهنگ مبشری (و نه سرهنگ سیامک زیرا سیامک اساساً دارای فرزندی نبود - توفان) در شب تیربارانش آن را برای دخترش خوانده است. مردم از زبان مبشری و توده‌ای‌ها می‌گفتند که بهار ما گذشته است و امروز زمستان محمد رضا شاه بازگشته و ما به جستجوی سرنوشت آتی خود می‌رویم، ما در میان باد و باران و توفان با از جانگذشتی در شب سیه از سختی‌ها گذر کردیم و با یارانمان پیمان بسته و آتش‌ها در کوهستان‌ها برافراختیم که خاموش نمی‌شوند. وقتی می‌گویند که در سپیده دم ستاره می‌زند و وی "عهده‌ی خونین با صبح روشن تر دارد" و دخترش را فرا می‌خواند اشک بی‌گناهِش را روان نساخته و سرشک غم به دامانش جاری نسازد، بلکه با غرور و افتخار زیست کند که پدر و یارانش را در سپیده دم به گلوله می‌بندند، روح زمان خود را بازگو می‌کند و این همان پیام زیباست که مردم ایران گرفتند و آن را تا سرنگونی غیر بازگشت رژیم منفور پهلوی آویزه‌ی گوش خود کردند. اساساً این مهم نیست که نویسنده و آهنگ ساز و یا ترانه سرای این تصنیف چه کسی بوده است.

یک محقق غیر سلطنت طلب به تأثیرات تاریخی این اثر که آن را جاودانی نموده و از آن پرچم رزم مردم ایران را ساخت، توجه می‌کند. این همان اشتباه استاد توانا و یکی از مفاخر ادبیات ایران احمد شاملو در برخورد به کاوه‌ی آهنگر نیز هست که می‌خواهد این سمبل الهام مبارزه‌ی مردم بر ضد زور و ستمگری را از آنها بگیرد و به جای آن ضحاک ماردوش را بنشانند که گویا وی انقلابی واقعی بوده است. چه اهمیت دارد که کاوه‌ی آهنگر شعبان بی‌مخ باشد و یا ضحاک ماردوش، چه اهمیت دارد که کاوه‌ی آهنگر سمبل مبارزه و عدالت خواهی باشد و یا ضحاک ماردوش مظهر آن. مهم این است که مردم برای مبارزه‌ی خود به مظهری اتکاء کرده‌اند و آرزوهایشان را در وجود وی متحقق دیده و یا کرده‌اند که چراغ راه آینده‌ی زندگی آنها بوده است. باید به این مظاهر احترام گذارد و از آنان الهام گرفت و نه آن که تلاش کرد منبع الهام مردم را زیر لفاف بررسی تاریخی خشک کرد. و بیابانی برهوت به آنها نشان داد که هیچ وقت هوس سرنگونی رژیم منفور و غیر بازگشت پادشاهی را نکنند.

بررسی ترانه‌ی "مرا ببوس" نیز با این نیت "تاریخی" انجام می‌شود و طبیعتاً بخشی از همان مبارزه‌ی ایدئولوژیک بورژوازی علیه‌ی پرولتاریا است. می‌بینید که این مبارزه تا به چه حد متنوع و موزیانه است. مردم باز هم "مرا ببوس" را چون اسلحه‌ی مبارزه‌ی انقلابیون علیه‌ی مرتجعین زمزمه کرده و از آن الهام می‌گیرند. ولی کسی نام سراینده‌ی ادعائی آن را نیز به خاطر نخواهند آورد و درستش هم همین است.

**زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت**



## در حاشیه عقب نشینی بخشی از ارتش اشغالگر آمریکا از عراق

قریب به هفت سال از اشغال وحشیانه کشور عراق و به خاک و خون کشیدن دهها هزار مردم بیگناه می گذرد. آمریکا بدون توجه به اعتراضات میلیون ها مردم آزاده جهان عراق را به خاطر منابع نفتی و اهمیت استراتژیکی به اشغال کامل خود در آورد. همان طور که بارها سخن گفته ایم ماهیت این جنگ سوای دروغ پردازی های رسانه های امپریالیستی و سوای تحریفات کارگزاران ریز و درشت آمریکائی نه آزادیخواهانه، بلکه ارتجاعی و استعماری است. امروز همگان می دانند که هر آن چه رئیس جمهور پیشین آمریکا، آقای بوش و شرکاء برای حمله به عراق تراشیدند دروغ بود و اشغال عراق بی پرده و بدون کمترین توجه به موازین و قوانین خود ساخته بین المللی و به بهانه مبارزه با تروریسم انجام گرفت. در خلال هفت سال اشغال عراق بیش از یک میلیون نفر کشته شده اند. بیش از دوهزار پزشک و قریب به شش هزار نفر از روشنفکران و استادان دانشگاه های عراق ترور و یا به زندان افتاده اند. بیش از ۲ میلیون نفر مجبور به ترک کشور شدند. آمریکا از به کاربردن فسفر سفید علیه مردم بی دفاع دریغ نکرد و از قتل عام بیرحمانه مردم عراق در فوج به هدف نهائی اش برای نابودی جنبش مقاومت دست نیافت. چشم اسفندیار زندان و شکنجه "دمکراتیک" در عراق نیز بر کسی پنهان نیست و رسالت امپریالیست "دمکراتیک" آمریکا در جهان جز این نیست.

اما آنچه که نقشه های آمریکا در عراق را در هم ریخت و وی را از ادامه تجاوز به سایر کشورها از جمله ایران باز داشت همانا مقاومت شجاعانه خلقی است که سلاح بر دست و با فداکاری بی نظیر درسی به آمریکا و شرکاء داده است که خوایش را ندیده بودند. عملیات مسلحانه شبانه روزی نیروهای مقاومت عراق تحسین بر انگیز است. ارتش متجاوز آمریکا همراه با قوای نظامی بیش از ۳۰ کشور دیگر و در مجموع با یک نیروی ۲۰۰ هزار نفری در مقابل پیکار مسلحانه مردم عراق شکست خورده و دیر یا زود گورشان را از عراق گم خواهند کرد. اما امپریالیست آمریکا به این سادگی ها دست بردار نیست و تمام تلاشش را به کار خواهد برد تا با جنگ روانی و تروریست خواندن مبارزین عراقی و آزادیخواه جلوه دادن خویش و با روی کارگردان رژیم گماشته و مطیع و قابل اعتماد به سیاست های استعماری خود ادامه دهد. "انتخابات دمکراتیک" در عراق اشغالی هدفی جز مشروعیت بخشیدن به اشغال امپریالیستی و دمکراتیک جلوه دادن انگیزه و اهداف حضور آمریکا در عراق نداشته است. این نمایشات مسخره تا کنون موفقیتی نداشته اند. امپریالیست آمریکا با به کار گیری مدرن ترین سلاح های مرگبار کشور عراق و افغانستان را به خاک و خون کشید و شمار کشته شدگان عراقی در مقایسه با کشته شده گان آمریکائی نشان می دهد که خلق عراق با چه دیوی در حال نبرد است. دیوی بی سر و پا و فاقد هرگونه رحم و وجدان که از آن سر دنیا به عراق نیرو گسیل داشته و با قلدری خلقی را در چنگال خونین خود گرفتار کرده است.

**رئیس جمهور جدید آمریکا باراک اوباما** اخیراً اعلام کرد که به وعده انتخاباتی خود عمل نموده و در پایان ماه اوت، (۳۱ اوت) آخرین قوای رزمی ارتش آمریکا را از خاک عراق بیرون کشیده است. وی گفت حفظ امنیت عراق را به قوای نظامی این کشور سپرده است. لیکن واقعیت این است از ۱۵۰ هزار نیروی نظامی آمریکا ۵۰ هزار نیروی "رزمی" از خاک عراق خارج شده و مابقی قوای نظامی در قالب قوای "آموزشی و یا حمایتی و مشاورتی" در ۵۸ پایگاه مهم نظامی در سراسر عراق حضور دارند. حداقل ۵ پایگاه از این ۵۸ پایگاه نظامی، شهرهای دائمی با وسایل حمل و نقل، مدارس، سینما... و سایر امکانات هستند. این نیروها آمادگی کامل رزمی دارند و هر لحظه می توانند به میدان آیند و در نبرد شرکت نمایند. علاوه بر آن بین ۷۵ هزار تا ۱۴۰ هزار سرباز مزدور در استخدام شرکت های خصوصی هستند که از طرف پنتاگون تغذیه اقتصادی می شوند. سفارت عظیم آمریکا در بغداد با ۵ هزار دیپلمات و پرسنل امنیتی نظامی همه گواه این واقعیت است که عراق هم چنان در چنگال آمریکا اسیر است و خروج بخشی از قوای نظامی فقط برای جابجائی نیرو و فریب افکار عمومی جهان است. این را همه دانسته است که علت گسیل این همه نیروی نظامی به عراق مأموریتی برای "دمکراسی" و "حقوق بشر" نبوده است بلکه مقصود کنترل نفت و تبدیل این کشور به پایگاه نظامی برای محاصره ایران و تحقق "دکترین خاورمیانه بزرگ" بوده است. از این رو چنین مأموریتی هنوز به پایان نرسیده و آمریکا به این زودی ها خاک عراق را ترک نخواهد کرد. جنبش مقاومت مردم عراق آرام نخواهد گرفت و به نبرد حق طلبانه اش تا بیرون ریختن آخرین سرباز متجاوز ادامه خواهد داد. مردم عراق خواهان خروج فوری و بی قید و شرط متجاوزین از خاک کشورشان عراق هستند. پرداخت غرامت به ملت عراق یکی دیگر از خواسته های ملی و عادلانه این خلق است. تمام نیروهائی که با این شعار مخالفت می کنند و یا سیاست سکوت پیشه کرده اند همدست امپریالیست آمریکا هستند باید طرد و منزوی شوند. مبارزه در عراق مبارزه مذهبی نیست مبارزه ای ماهیتاً آزادیبخش و استقلال طلبانه و ضد استعماری است. این نکات است که در تحلیل باید برجستگی پیدا کند. برای طرد امپریالیسم و صهیونیسم از ممالک تحت سلطه اشغالگران استفاده از هرگونه وسیله ابراز مقاومت و سرکوبی دشمن مشروع و قابل فهم است. خلق های جهان حق دارند گور این دشمنان و همدستان داخلی آنها را به عمیق ترین وجه ممکن، بکنند.

ادامه حضور نیروهای متجاوز در خاک عراق خساران مالی و جانی فراوانی در بر دارد و سرنوشت ملت عراق باید فقط به دست مردم این کشور و بدون دخالت خارجی تعیین گردد.

**مرگ بر متجاوزین آمریکائی و مزدوران دست نشانده اش! زنده باد جنبش مسلحانه مردم عراق علیه اشغالگران!**

## شکنجه وحشیانه زندانیان در زندان‌های عراق



اخیراً سازمان عفو بین‌الملل گزارش کرده است که نزدیک به ۳۰ هزار نفر از مردم بیگناه عراقی که مجموعه‌ای از سنی‌ها و شیعه‌ها هستند در زندان‌های عراق به سر می‌برند. طبق این گزارش زندانیان به طرز فجیعی تحت شکنجه و تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و فاقد هرگونه حقوق ابتدائی و انسانی هستند. تعداد زیادی از زندانیان به علت جراحات شکنجه از بین رفته‌اند. شکنجه‌گران روش‌های مختلفی از قبیل تجاوز جنسی، کشیدن ناخن با انبر دست، سوراخ کردن بدن با دریل، آویزان کردن از طرف پاها، زدن با کابل و لوله‌های فلزی را به کار می‌برند. گزارش‌های دیگری در باره زندانی و شکنجه عراقی‌ها در زندان‌های کردستان عراق منتشر شده است. کردهای ناسیونال شوونیست و مزدور آمریکا نقش اسرائیل جدیدی را برای حفظ منافع کمپانی‌های نفتی به عهده گرفته‌اند و در شکنجه و سرکوب نیروهای مخالف اشغال، روی صدام حسین را سفید کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر در مورد وضعیت زندان‌های عراق و شکنجه‌های وحشیانه قرون وسطائی به سایت‌های زیر مراجعه کنید:

[http://www.rferl.org/content/Amnesty\\_Details\\_Iraq\\_Prisoner\\_Abuse/2155742.html](http://www.rferl.org/content/Amnesty_Details_Iraq_Prisoner_Abuse/2155742.html)

<http://www.france24.com/en/20100913-iraqi-jailors-accused-torture-prison-security-services-amnesty-report-iraqi-judicial-system>

### خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از عراق پرداخت خسارت به مردم عراق!

\* \* \* \* \*



## پیرامون ماجراجویی بناپارتیسم و سیاست رم ستیزی سارکوزی و شرکاء در فرانسه

**الف** - مدتی است که بناپارتیسم هزار چهره نوعی سیاست "فقیر زدائی" شمشیر از رو بسته و یک سیاست فعال "رم" ستیزی در پیش گرفته است. حال چرا؟ محافل رسمی می‌گویند که این سیاست به خاطر امنیت ملی فرانسه اتخاذ شده و با حضور جمعیت "رم" کولی‌های شرق اروپا، رومانی و بلغارستان و... در فرانسه ارتباطی مستقیم دارد. تمام مسئله هم اینجاست. دلایل تاریخی خانه بدوشی جمعیت "رم" فعلاً بماند. این رشته سر دراز دارد. اما به عنوان شهروند حقیقی و حقوقی اروپا، برای رفت و آمد در کشورهای اتحادیه اروپا و یا حضور در فرانسه هیچ احتیاجی به مجوز ندارد. به هر حال فرمان لجن مالی، دستگیری و اخراج این آلونک نشین‌های "غیر" خودی صادر و به دنبال آن خشونت آشکار نیروهای امنیتی و انتظامی فرانسه در قبال این شهروندان "ناجور" شروع شد. پلیس ضد شورش لباس رزم پوشید و راهی جنگ با "رم" در حاشیه شهرها گردید. بولدوزرها به کار افتادند، روزی ده‌ها آلونک مقوایی و چوبی و حلبی و... را برسر این بینوایان، برسر هزاران زن و مرد و بچه‌های قد و نیم قد خراب کردند. تا



به حال وزارت کشور فرانسه هزاران نفرشان را، گویا "داوطلب" با پرداخت هزینه سفر و دادن ۳۰۰ اویرو پول نقد به هر فرد بالغ، از فرانسه بیرون کرده است. از قضا هجوم سازمانیافته ژاندارم و پلیس در شهر گرونوبل با مقاومت قابل فهم "رم" روبرو شد. تا این که یکی از این حاشیه نشینان از پا درآمد و کار بیخ پیدا کرد. بی پناهان، از روی لاعلاجی راه شورش و عصیان در پیش گرفتند، با لشکر مهاجم درگیر شده و حتی ژاندارم‌ری محل را به آتش کشیدند و...

**ب -** نیکولا سارکوزی، مدیر عامل بنگاه "الیزه" عازم گرونوبل شد و در مراسمی، جهت توجیه هجوم نیروهای انتظامی، پلیس و ژاندارم‌ری و... ضمن تکرار داستان تهوع آور پیوند "خارجی و مهاجر با انواع جرائم" اعلام کرد که منبع خارجی‌هایی که تابعیت فرانسوی دارند، اگر جرمی مرتکب شوند، خاصه اگر به مأموران دولت اهانت کرده و یا در برابر نیروهای انتظامی قرار بگیرند... تابعیت شان پس گرفته خواهد شد. جفنگی احمقانه و اشرافی، که بیش از نیمی از مردم فرانسه را در بر می‌گیرد. اما شکرگد امنیتی سارکوزی نگرفت و نقض آشکار بند اول قانون اساسی فرانسه، مصوب سال ۱۹۵۸ میلادی، که می‌گوید: "فرانسه یک جمهوری تجزیه ناپذیر، لائیک، دموکراتیک و اجتماعی است که تساوی شهروندان در برابر قانون را بدون در نظر گرفتن تبار، نژاد یا مذهب شان، تضمین می‌کند..."! از طرف جناب رئیس جمهور با واکنش سازمانیافته مردم هشیار فرانسه روبرو گردید.

**پ -** به دنبال فراخوان مشترک شماری از احزاب و سازمان‌های چپ، چند سندیکای کارگری و انجمن‌های مترقی به علاوه تعدادی از هواداران سرشناس حقوق بشر و... برای مقابله با ترفندهای امنیتی سارکوزی و شرکاء، روز شنبه سوم سپتامبر سال جاری میلادی، ده‌ها هزار نفر از مردم فرانسه، زن و مرد، پیر و جوان، شاغل و بیکار و بازنشسته، در یک کارزار خیابانی نسبتاً گسترده شرکت کرده و با تظاهرات و راهپیمائی همزمان در اکثر شهرهای کوچک و بزرگ فرانسه، نشان دادند که اصلاً با تردستی‌های حساب شده بناپارتیسم برای اشاعه برتری نژادی در کشورشان میانه ندارند. با صدای بلند، بستن انواع جرم و جنایت به "خارجی‌ها"! بگیر و به بندهای دنباله دار، اخراج نوبتی کارگران مهاجر، هزاران زن و مرد و کودک "بیگانه"! را به کلی مردود شناخته و سیاست "رم" ستیزی سارکوزی و شرکاء در اوضاع و احوال جاری را به شدت محکوم کردند. به همین مناسبت، در برابر سفارتخانه‌های فرانسه در تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا نیز تظاهرات مشابهی برپا شد - نقل از منابع خبری و گزارش مطبوعات.

**ت -** دلائل و شواهد زنده‌ای است مبنی بر این که واژه ساختگی و مشکوک "رم"! اصلاً یک نامگذاری پلیسی، لقبی است که پژوهشگران سفارشی بناپارتیسم، محافل پشت پرده امپریالیستی به شماری از بینوایان پراکنده، کپر نشینان، ساکنان حلی آبادها و حصیر آبادها و مفت آبادها و... در اتحادیه اروپا داده اند - نوع فرنگی گود و زاغه نشینی در حاشیه شهرهاست. به گور پدر اشراف شرقی و غربی و شمالی و جنوبی، مالک و ارباب و سرمایه‌دار آسیائی و آفریقائی و اروپائی و آمریکائی. فلان فلان شده‌ها، سخن برسر میلیون‌ها انسان گرسنه و آواره، بر سر محصولات طبیعی نظام اقتصادی - اجتماعی مطلوب شما در گذشته و حال، پای یک نیروی کار ارزان، گاهی لازم و زمانی هم "زائد"! با هر رنگ و ریشه، پیوندهای قومی مشکوک و مطرود باستانی - فرض می‌کنیم "هندی الاصل"! در میان است که طی نسل‌های متمادی در اروپا زاد و ولد می‌کند... قربانیان مالکیت خصوصی متداول، تقسیم کار امپریالیستی و شیوه مرسوم تولید در جهان، خشونت‌های مستمر قومی و قبیله‌ای و مذهبی، اشغالگری‌های نوبتی، جنگ‌های صلیبی و استعماری در قرون منقضى از سوئی، فاشیسم و نازیسم و پتن‌ایسم و... در دوران معاصر به طریق اولی. کمیته بررسی جنایات جنگی در رومانی، اسناد مربوط به تبعید انبوه و کشتار ۳۸۰۰۰ از جمعیت "رم"! توسط اروپای نازی را یافته و انتشار داده است -

[asso@nadara.org](mailto:asso@nadara.org)

**ح -** سابقه بناپارتیسم در "حل و فصل" مسائل اقتصادی، در ماجراجویی‌های برون مرزی و سرکوب جنبش‌های زنده اجتماعی در سرزمین پایگاه - حتی با توسل به قوای اشغالگر، به یاری ارتش مهاجم! مثل کشتار کارگران پاریس به کمک قوای اشغالگر بیسمارک به سال ۱۸۷۱ میلادی، قتل عام کارگران آلاس و لورن به یاری ارتش مغلوب آلمان به سال ۱۹۱۸ میلادی، همدستی آشکار با فاشیسم و نازیسم و... اصلاً درخشان نیست. ولی می‌رساند که جناب سارکوزی عقب مانده تر از آن است که مبتکر چیزی باشد. چون اختناق جنبش کارگری و سرکوب فقیران بومی در فرانسه - "اصیل و غیر اصیل"! سیاست برتری نژادی، بازی‌های تهوع آور قومی و مذهبی جهت گمراه کردن افکار عمومی، برای ماستمالی کردن تقابل کار و سرمایه در مسیر نوعی "بیگانه" ستیزی، بستن انواع جرم و جنایت به "خارجی‌ها"! تحقیر مستمر بینوایان خودی و "غیر" خودی، اخراج نوبتی کارگران مهاجر و... در شرایط اضطراری، هیچ تازگی ندارد. اینها هم ناشی از الزامات سرمایه، بر اساس نیازهای فوری و منافع استراتژیک بناپارتیسم در سطح ملی و بین المللی رقم می‌خورد.

**ج -** پیشرفت‌های صنعتی چین و هند و برزیل و... که بر کسی پوشیده نیست. میدان مانور انحصارات باختری تنگ شده و عنقریب تسلط دویست ساله غرب، اروپا و آمریکا بر تولید و بازرگانی جهان به سر خواهد آمد. هم اکنون نیز بیان اقتصادی غرب هیچ رضایت بخش نیست. با رشد و تحرک اقتصادی نازل، بیکاری انبوه، کسر بودجه دائم و فزاینده و... روبروست. آرایش نیروهای بین‌المللی، اصلاً با وزن مخصوص اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری در شرایط حاضر هماهنگی ندارد. رقابت کارتل‌های مالی و صنعتی، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات و... بر سر کنترل انحصاری تولید و بازرگانی جهان بالا گرفته، کارش به ماجراجویی و جنگ کشیده است. اشغال یوگسلاوی، تجزیه و تقسیم بعدی این کشور "مسیحی"! اشغال عراق و افغانستان "مسلمان"! در همین گذشته نزدیک - دعاوی خر رنگ کن در باره "آزادی و دموکراسی و بشر دوستی"! بازی‌های ارزان امنیتی در سطح ملی و بین المللی، توپ و تشرهای پی در پی، اشاعه اختلافات قومی و مذهبی و... اینها همه تمرین‌های دول امپریالیستی غرب در گذشته‌های دورتر را نداعی می‌کند، به سیاست گشایش زوری بازار در اوضاع و احوال جاری بازمی‌گردد. قرائن نشان می‌دهد که یک بار دیگر جغرافیای سیاسی جهان در شرف یک تغییر خوشونتبار قرار گرفته است.

چ - برخلاف لاف و گزاف "اهل فن"! هیچ به نظر نمی آید که بحران اخیر مهار شده باشد. هنوز اکثر واحدهای تولیدی غرب به طور کلی و نوع فرنگی آن به طریق اولی، با ظرفیت حداقل کار می کنند. در عین حال، مرتب به دنبال خریدار معتبر برای محصولات خود به این در و آن در می زنند. هنوز بناپارتیسم با محدودیت بازار فروش، با کاهش مواد خام و انرژی، با تنزل نرخ سود و نرخ انباشت سرمایه در سرزمین پایگاه روبروست. حتی در مقایسه با بعضی رقیبان اروپائی و آمریکائی خود، هنوز رشد اقتصادی نازلی دارد. اصلاً قادر نیست اشتغال ایجاد کند. نمی تواند مبادله کار و سرمایه برای ایجاد اضافه ارزش را تضمین نماید. گرفتار نوعی کسر بودجه دائم، کسری بازرگانی صعودی است. هیچ راه حلی برای افزایش بیکاری مزمن، گسترش فقر و خانه بدوشی مردم و... ندارد و هم اکنون شاهد برآمد یک جنبش نسبتاً نیرومند کارگری در سرزمین پایگاه است. به شدت نگران بروز یک انقلاب اجتماعی است - منشاء سیاست امنیتی بناپارتیسم، علت "رم" ستیزی سارکوزی و شرکاء در اوضاع و احوال جاری در همین چهار چوب قابل بررسی است. کارگران فرانسوی به عنوان پیشرو اولان جنبش کارگری در اروپا تهاجم فاشیستی و نژاد پرستانه و ضد کارگری و نفاق افکنانه نیکولا سارکوزی و شرکاء را بی پاسخ خواهند گذاشت.

## مرگ بر سرمایه داری، امپریالیسم، فاشیسم و راسیسم! زنده باد همبستگی بین المللی!

### حزب کار ایران (توفان) واحد فرانسه

سپتامبر ۲۰۱۰

\* \* \* \* \*

## یازده سپتامبر و اشغال افغانستان

رخداد تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یک فرصت طلایی برای امپریالیسم آمریکا بود تا با سرنگونی فوری طالبان و اشغال افغانستان موقعیت استراتژیک خود را به جلو راند و حلقه را بر سایر رقبا در منطقه تنگ نماید. حزب ما از همان آغاز، علیه تجاوز نظامی و اشغال افغانستان به مبارزه برخاست و با سیاستی روشن طرح امپریالیستی آمریکا و شرکاء در هجوم وحشیانه به این کشور را قویاً محکوم نمود و مرعوب تبلیغات امپریالیستی و جار و جنجال های مزدورانش نگردید. حزب ما با انتشار ده ها مقاله تحلیلی پرده از این سیاست استعماری برداشت و مخالفت خود را به تجاوز نظامی به افغانستان ابراز داشت. حزب ما همواره تأکید کرده است که سرنگونی رژیم ارتجاعی طالبان وظیفه خلق این کشور است و اقدام آمریکا و شرکاء نقض روشن تمامی موازین بین المللی و نقض حق تعیین سرنوشت ملت افغانستان است. این تحلیل صحیح با الهام از لنینیسم و شناخت از ماهیت امپریالیسم است که به صورت سیستماتیک و علمی نه تنها در مورد افغانستان بلکه در مورد اشغال عراق، لبنان، فلسطین و خطر احتمالی تجاوز نظامی به ایران ... بازتاب داشته و مورد احترام نیروهای انقلابی و ترقیخواه در منطقه و جهان قرار گرفته است.

اشغال افغانستان ربطی به "دموکراسی، آزادی زن، تمدن و مدرنیسم و یا سکولاریسم" ... نداشته است. دلایل اصلی تجاوز نظامی به افغانستان را باید در اهمیت جغرافیائی و ژئوپلیتیک آن در منطقه دید. افغانستان در قسمت شرقی دارای مرز مشترک با پاکستان و در بخش غربی با ایران است. از سویی نزدیکی مرزی با کشور چین و ارتباط با جمهوری های نفت خیز سابق شوروی اهمیت استراتژیک افغانستان را دو چندان می کند. بیش از یک پنجم نفت جهان برابر با ۲۷۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی در کشورهای اطراف دریای خزر قرار دارد. در همین منطقه قریب به یک هشتم گاز طبیعی جهان موجود است. از این رو باید اشغال افغانستان را در کادر ایجاد پایگاه های نظامی در این کشور و کنترل مواد خام در جمهوری های آسیای مرکزی و محاصره روسیه، چین و ایران مورد ارزیابی قرار داد. اشغال افغانستان به منظور کنترل منابع نفتی و گازی در آسیای مرکزی و اعمال هژمونی بر سایر رقبای تازه نفس امپریالیستی صورت گرفت. موضوع اوسامه بن لادن و یا رژیم پس مانده طالبان و مبارزه علیه تروریسم و ستم بر زن در افغانستان وسیله ای برای فریب افکار عمومی بوده است.

اکنون ۹ سال از اشغال افغانستان می گذرد و قتل عام مردم بیگناه هم چنان ادامه دارد. محوری ترین شعار خلق افغانستان شعار خروج فوری و بی قید و شرط تمامی اشغالگران از خاک کشور و پرداخت غرامت به خلق افغانستان است. از این رو تمام سلاح ها باید به سوی نیروهای متجاوز نشانه روند. تنها در این روند سیاسی است که می توان تمام خلق را علیه امپریالیسم و توطئه های استعماری بسیج کرد، توده را از زیر نفوذ نیروهای ارتجاعی نظیر طالبان و امثالهم خارج نمود و انقلاب ملی دموکراتیک را به سرانجام رسانید. در غیر این صورت، رها کردن جبهه نبرد علیه اشغالگران به بهانه حضور نیروهای طالبان عملاً رهبری به دست نیروهای ارتجاعی خواهد افتاد و این امر فرجامی جز شکست نخواهد داشت. کمونیست های افغانستان وظیفه سنگینی پیش رو دارند و تنها آنها هستند که

رسالت نهائی رهائی خلق از قید امپریالیسم و ارتجاع را دارا می باشند. راهی جز این راه یعنی حل تضاد عمده کشور، بیرون راندن نیروهای متجاوز خارجی و سپس حل مطالبات دموکراتیک در افغانستان متصور نیست. سربلندی از آن خلق شجاع افغانستان است!

ما خواهان خروج فوری و بی قید و شرط تمامی اشغالگران از خاک افغانستان و پرداخت غرامت به خلق افغانستان هستیم  
مرگ بر حکومت دست نشانده افغانستان و اربابان امپریالیستش  
نقل از فیس بوک حزب کار ایران (توفان) به مناسبت رخداد ۱۱ سپتامبر در آمریکا  
سخن هفته

\*\*\*\*\*

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)  
درمورد انفجار بمب در مهاباد

## عملیات تروریستی مهاباد را محکوم میکنیم

انفجار یک بمب ساعتی در جایگاه تماشاگران در جریان رژه نظامی نیروهای ارتش، سپاه و بسیج در شهر مهاباد، بامداد روز چهارشنبه (۳۱ شهریور، ۲۲ سپتامبر) ۴۵ نفر کشته و زخمی برجای نهاد. رژیم جمهوری اسلامی این اقدام را به "صهیونیسم و امپریالیسم و عوامل آن" نسبت داد و برای نیروهای اپوزیسیون کردستان و جنبش اعتراضی مردم خط و نشان کشید. احزاب کردستان ایران یک روز پس از این رخداد با صدور اعلامیه مشترکی این عمل را محکوم نمودند و چنین اقدامی را به زیان جنبش مردم ارزیابی کردند.

حزب کار ایران (توفان) عملیات تروریستی در مهاباد را محکوم می کند و چنین اقدامی از سوی هر گروه و جریان سیاسی و با هر انگیزه سیاسی باشد به نفع ارتجاع و امپریالیسم است و بهانه ای در دست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای تشدید سرکوب مخالفین و گسترش چتر اختناق خواهد بود. حزب ما این گونه عملیات را در هر گوشه ای از ایران که رخ دهد محکوم می کند و بر این باور است که راه رستگاری و نجات مردم ایران از دیو استبداد و دست یافتن به حقوق دموکراتیک راه متشکل شدن و اتحاد و همبستگی در پیکار با رژیم جمهوری اسلامی است و هرگونه تلاشی برای به انحراف بردن جنبش و به انفعال کشاندن آن، خدمت به ارتجاع و امپریالیسم است و باید در مقابل آن ایستاد. راهی جز این راه برای تحقق حقوق دموکراتیک مردم ایران متصور نیست.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزاد و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

مهر ماه ۱۳۸۹

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فنای مشترک طبقات متخاصم ختم می گردید، دست زده اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

## توفان شماره ۱۲۷ مهر ماه ۱۳۸۹ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

**رفقا، دوستان و یاران مبارز!**

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

**یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:**

- \* بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- \* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- \* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- \* ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- \* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- \* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- \* امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- \* توطئه بزرگ کتاب سوم
- \* توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس اینترنتی: [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

آدرس تماس: [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

**دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!**